

چرا شیخ علیخان نمی بخشد؟

در آستانه آزادی گروگانها

ادموند مانسکی پیام معنی داری حول مسئله گروگانها برای رژیم ایران میفرستد و این بار امام امت قبل از اینکه آقایان بنی صدر و بهشتی مجال جوابگوئی داشته باشند، جواب این پیام را خطاب به "زائرین بیت الحرام" میدهد و شروط ایران را برای حل مسئله گروگانها مطرح میکنند. این شروط عبارتند از:

۱- آزاد کردن دارائیهای ایران

۲- دادن تضمین توسط آمریکا مبنی بر عدم مداخله سیاسی و نظامی در ایران

۳- نداشتن هیچگونه ادعایی برای ایران

۴- پس دادن دارائیهای شاه

نکات اول تا سوم، نکات تامل شده و جزء پیشنهادهای آمریکا نیز هست. نکته چهارم بسیار پیچیده و لایحی قابل مذاکره است چون اساساً دارائیهای کلان آمریکا در کشورهای مختلف و در فرمهای گوناگون پست است. صورت سرمایه گذاری و سپرده های بانکی و با صورت سرمایه های رانده بخش شده و تعیین اینکه جقدر از آن در آمریکا است بسیار مشکل خواهد بود. وانگهی این نیز مسأله مهمی برای دولت آمریکا نخواهد بود و به نظر ما طی مذاکرات آتی قابل حل است. بیارت دیگر آنچه از من پیام خمینی هویدا است عقب نشینی از ادعاهای گذشته و قبول شکل تعدیل یافته پیشنهادهای آمریکا میباشد. در این پیام به مسئله اصلی که ماهها نوده ها به حول آن بسیج شده و فریب داده شدند، یعنی مسئله مداخلات گذشته آمریکا در ایران (نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و اساساً "۳۵" سال خیانت و غارت در ایران) هیچ اشاره ای نشده و حتی به مسئله معروف "معذرت خواهی" و "اقرار به خطاهای گذشته" نیز، که آنهمه حول آن سروصدا بسیار شده هیچ برخوردی نمیشود و به مردم توضیح داده نمیشود که بالاخره آنهمه جا روجنگال، آنهمه راهپیمایی و شعار، آنهمه شاخ و شانه کشیدن با سر چه بود و در واقع در عمل چه مبارزه ای علیه امپریالیسم آمریکا صورت گرفت.

بهر حال پیام رسمی ماسکی و جواب غیر رسمی آنکه قطعاً پیرو تعدادی پیام غیر رسمی و جواب رسمی صورت گرفته است در ظاهر بسیار واکنشهای مختلفی رو برو شد. کارتر مراتب خوش بینی بسیار خود را اظهار داشت. لیبرالهای وطنی نفسی آسوده کشیدند، اما واکنش آقای هاشمی رفسنجانی و حزب جمهوری اسلامی نشان داد که سهم بیشتری در حل این ماجرا میخواهند. توضیح آنکه در روز بعد از جواب امام، هاشمی رفسنجانی رسماً در مجلس گفت که شروط میا (ما کیست؟) بیش از شروطی است که ما میبایان فرموده اند. البته توضیحات ایشان و همپالگیهایشان این بود که ما صرفاً نکاتی را فرموده اند و منظور این نبوده که همه نکات را بیا بیا فرمایند. بعبارت دیگری میا نخواسته ایم باقی نکات را بیا بیا فرمایند.

با ایشان سهواً بیان فرموده اند (که در این صورت امام به کم حافظه گی متهم میشود) یا عمداً بیان فرموده اند (که آیا این بمعنای ابراز اختلاف با امام امت است و بهیچوجه قابل قبول نیست) بهر حال این سه شق مورد نظر نیست، میماند شق چهارم و آن اینکه اساساً نکته ای نیست که امام بیان فرموده باشند ولی ما بدلائلی میخوانیم فعلاً چنین وانمود شود. چرا؟ داستانی است که میگویند شاه میبخشد و شیخ علیخان نمیبخشد. بی آنکه خدای ناکرده قصد تشبیه داشته باشیم باید بگوئیم که نقش آقای رفسنجانی و حزب ایشان نیز در اینجانب نقش شیخ علیخان است. و همه میدانیم که شیخ علیخان چه میخواهد. یک که نمیدانم اصافای برای کلاه خود. در اصل ما چرا دعوائی نیست. حزب جمهوری اسلامی در یکسال اخیر در عرصه سیاست داخلی سروری قابل توجهی داشته و قوای قضائیه و مقننه و ستاد اندازه زیادی اجرائیه را بدست گرفته است و این البته علاوه بر در دست داشتن قدرتهایی است که در این سه رکن نمیگنجد (مانند ساد زنگی، بنیاد منصفین، سپاه پاسداران، کمیته ها و از همه مهمتر رسید احمد آقا). اما این قدرت داخلی تاکنون بدلائل مختلف شناسائی بین المللی مورد نظر را بدنبال نداشته است، و این برای حزب جمهوری اسلامی غیر قابل تحمل است. حتی برای مثال وزارت خارجه که جنبه سمبولیک از نقطه نظر مراودات بین المللی دارد همواره در دست رقبای این حزب بوده است. آقایان کریم سنجابی، ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی صدر، صادق قطب زاده و بالاخره قیافه کشف نشده کابینه آینده (یادمان باشد که آقای بنی صدر رسماً "این قیافه را در میانه دوستان خود جستجو میکند). تشبیه قدرت در سیاست خارجی همواره مدنظر حزب جمهوری اسلامی بوده است زیرا میدانسته قدرت داخلی بدون شناسائی بین المللی مثل عقده ای عروسی است در جریان گروگانگیری، این حزب فرصت طلایی را بدست آورد، وضع رقیب را از نظر داخلی تضعیف کرد، وضع خود را از همین نظر تشبیه نمود، وضع رقیب را از نظر خارجی تضعیف کرد ولی نتوانست طرف چهارم معادله و مجهولی را معین کند. وضع او از نظر خارجی تشبیه نشده باقی ماند. قدرتهای کوچک و بزرگ خارجی، با همه سنگینی اهرم قدرتی که در دست داشت - گروگانها - باز هم آنرا فقط در حد شیخ علیخان برسمیت شناختند.

و امروز که حل مسئله گروگانها با حدت بیشتری مطرح است، حزب در مقابل این مخمصه قرار دارد که میدانند ادامه گروگانگیری بنفعش نیست چون زیانهای اقتصادی که تابحال از این امر متوجه ایران شده مستقیماً برگرد به حزب فشار آورده

است (تصورش را بکنید که اگر "جهاد سازندگی" بودجه ۲۰ میلیارد دلاری داشت! در همین دنیا حوری و غلمان را نصیب موه منیبین میکرد!) . و از جانب دیگر حل مسئله هم توسط رقیب بنفوسش نیست و موجب میشود که آرزوهای دوردست ، همچنان غیر قابل حصول باقی بمانند . تنها راه اینست که ضمن آنکه نشان میدهد که قضیه حل شدنی است ، تاکید میکند که فقط توسط من حل شدنی است . شروط امام بجای خود ، ما شروط دیگری هم داریم . و این بازی خطرناکی است .

امام امت شروط را معین کرده است و نه بنی صدر . کسی نمیتواند به امام خرده بگیرد و او را سازشکار بنامد . اگر مسئله حق شیخ علیخان مطرح نبود ، فردا همه جاجشن می گرفتند و کدام فرقه و جماعت و منجمله " دانشجویان پیرو خط امام " جرات مخالفت داشتند (البته پیروان نوین خط امام - حزب تسوده و فدائیان (اکثریت) باز میدیدند که از خرده بورژوازی پشت پا خورده اند! و قطعاً پیروان نوین شعار پیروان کهن را ادامه میدادند!) قضا یا به خوبی و خوشی خاتمه پیدا کرده بود . مبارزه ضد امپریالیستی پاگشا میشد و تجهیزات ای به اندازه دارائی های ضبط شده ایران و ثروت شاه مخلوع را هم به خانه می آورد .

واقعیت این است که سناریو جذاب است . بسیار هم جذاب است و عملی هم خواهد شد . هم اکنون سفرای خارجی مستقیماً با آقای رفسنجانی تماس میگیرند . این بار برای همه مسلم خواهد شد که "شروط" حزب جمهوری اسلامی ، پس از هاپهوی فراوان ، پس از عوامفریبی های ملاوار ، چیزی بیش از شروط یک "مجلسل" نخواهد بود . سهم او هم خواهد رسید . جمهوری اسلامی در مسوور هیچ چیزی که قانون نداشته باشد در مورد آداب نکاحی قانون نیست . هر کس سهمی خواهد داشت و منجمله چپ ایران که بنظر حضرات میخواست خارج از دایره مجاز زنان محصنه کند .